

## اهداف و کارکردهای دانشگاه اسلامی از منظر فقه اسلامی\*

□ محسن داوودآبادی فراهانی\*\*

□ سید محمد تقی موسوی فر\*\*\*

□ سجاد فرحدل\*\*\*\*

### چکیده

دانشگاه‌ها یکی از مراکز آموزشی- تربیتی در هر کشور هستند که تمرکز آن‌ها بر آموزش‌های عالی و تخصصی و پژوهش در عرصه علم و فناوری است. اندیشمندان و مکاتب مختلفی به موضوع اهداف و کارکردهای دانشگاه پرداخته‌اند. برخی متمرکز بر ساحت تعلیم، برخی پژوهش و برخی تربیت شغلی و کارآفرینی و... بوده‌اند. هدف از این تحقیق، تعیین اهداف و کارکردهای آموزش عالی مبتنی بر رویکرد اسلامی از منظر فقه بوده که با بررسی منابع اسلامی (با تکیه بر روش اجتهادی) قواعد مهم و کاربردی در این راستا مورد استفاده قرار گیرد. در این نوشتار به قواعد فقهی مهم و کاربردی در تعیین اهداف آموزش عالی (مثل لزوم همراهی تعلیم با تزکیه، لزوم رفع نیاز مسلمانان و نفی سبیل) پرداخته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آموزش عالی در نگاه اسلامی باید اهدافی از قبیل: آموزش تعالیم اسلامی، ارتقاء تعلیم و تربیت در جامعه (رویکرد فضیلت محوری)، توجه به تزکیه و تهذیب نفس و همراهی پرورش با آموزش عالی، تولید علم (با تأکید بر علوم انسانی و علوم کاربردی)، آموزش علوم کاربردی در رفع نیازهای مسلمانان و نیز آموزش و پژوهش در راستای حفظ استقلال و خودکفایی را دنبال کند.

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۴/۱۴.

\*\* دکتری گروه علمی فقه تربیتی، پژوهشگر پژوهشکده فقه و علوم انسانی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mohsend313@gmail.com

mosavifar88@gmail.com

sagadf10@gmail.com

\*\*\* مدیر میز سبک زندگی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ایران.

\*\*\*\* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مؤسسه مدینه العلم، قم، ایران.

واژگان کلیدی: اهداف دانشگاه، دانشگاه اسلامی، فقه اسلامی، تزکیه، اهتمام به امور مسلمانان، نفی سیل.

## مقدمه و بیان مسأله

دانشگاه‌ها یکی از زیرساخت‌های مهم نظام آموزشی هر کشور هستند که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری به جامعه است. در عصر حاضر، جوامع پیوند هرچه بیشتر بین دانشگاه‌ها (مراکز آموزش عالی) و برنامه‌های پیشرفت ملی و ارتقای دانش و فناوری را در دستور کار خود دارند. زیرا توسعه ملی نیازمند حرکت به سوی علم و فناوری، چه در تدریس و چه در تحقیق دانشگاهی است. منظور از آموزش عالی در حال حاضر در ایران، همان تحصیلات تکمیلی<sup>۱</sup> است که شامل آموزش‌های دانشگاهی منتهی به مدارک کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و فوق دکتری است (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۳۰).

در تعیین اهداف دانشگاه رویکردهای بسیار متفاوتی در بین مکاتب فلسفی و سیاسی گذشته و حال دنیا وجود دارد. برخی از این مکاتب متمرکز بر ساحت تعلیم و با تأکید آموزش صرف بوده و برخی پژوهش را سرلوحه اهداف خود قرار داده‌اند و برخی دیگر نیز هدف اصلی دانشگاه را تربیت شغلی و کارآفرینی می‌دانند. در سال‌های اخیر ایده دانشگاه فضیلت‌محور نیز با هدف ایجاد سبک زندگی متعالی مطرح شده است (همان: ۴۵). با توجه به اهمیت آموزش عالی و جایگاه آن در پیشرفت جامعه و با وجود تفاوت گسترده‌ای که در هدف‌گذاری برای آموزش عالی در رویکردهای مختلف (که اشاره شد) وجود دارد، تعیین مقصد برای آموزش عالی کشور امری مهم و قابل توجه است که این پژوهش بنا دارد به آن بپردازد. در واقع مسأله اصلی تحقیق، تعیین اهداف آموزش عالی از منظر مکتب اسلام (و با روش فقهی) است. اسلام به عنوان یک دین جامع و یک مکتب اعتقادی دارای نظام فکری ویژه‌ای است که

---

۱. آموزش عالی آموزش‌های تخصصی است که به صورت رسمی برگزار شود اما تعبیر تعلیم و تربیت رسمی انصراف به مدرسه و آموزش و پرورش (schooling) دارد بنابراین، در این جا آموزش عالی قسیم آموزش رسمی شمرده می‌شود. همچنین آموزش عالی به معنای آموزش بزرگسالان نیست بلکه اخص از آن است یعنی آموزش بزرگسالان وقتی در قالب دانشگاهی و با اعطای مدرک کاردانی تا فوق دکتری صورت پذیرد به آن آموزش عالی گفته می‌شود.

برگرفته از منابع اصلی (قرآن، سنت و عقل) است. این مکتب می‌تواند اهداف مطلوب نظام‌های آموزشی - تربیتی در همه مقاطع تحصیلی (به‌ویژه آموزش عالی) را تبیین کند. دانش فقه اسلامی با روی‌کرد استنباطی به قرآن و سنت در تلاش برای فهم عمیق دین و دستورات آن در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی و حکومتی است. فقه تربیتی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های فقه اسلامی، در صدد فهم تعالیم دینی و دستورات آن در موضوعات مرتبط با نظام آموزشی و تربیتی است. مورد توجه قرار دادن اصول و قوانین تربیتی اسلام که برگرفته از نگاهی عمیق و فقه‌پژوهانه به متن حقایق قرآنی و حدیثی است، عامل دست‌یابی به اهداف و کارکردهای دانشگاه است که مدیران این بخش می‌بایست چنین اهدافی را سرلوحه برنامه‌های علمی تربیتی خود قرار دهند. در این نوشتار با بررسی منابع اسلامی و دینی و با تکیه بر روش اجتهادی در استناد به آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) تلاش شده است تا قواعد مهم و کاربردی در تعیین اهداف آموزش عالی از منظر فقه تربیتی تبیین گردد. در ادامه پس از تبیین پیشینه و روش تحقیق و نیز بررسی اهداف آموزش عالی از منظر مکاتب مختلف (یعنی نسل‌های دانشگاهی) به قواعد فقهی مهم و کاربردی در تعیین اهداف و کارکردهای دانشگاه مثل لزوم همراهی تعلیم با تزکیه، لزوم رفع نیاز مسلمانان و نفی سبیل پرداخته و بایسته‌های مرتبط با اهداف دانشگاه ذیل هر کدام از قواعد ارائه می‌شود.

### پیشینه تحقیق

تحقیق در موضوع آموزش عالی و دانشگاه دامنه گسترده‌ای داشته و در مقالات و کتب متعددی از زوایای مختلف به آن پرداخته شده است. سیاست‌های آموزش عالی، برنامه درسی، ارزش‌یابی و حکم‌رانی از جمله موضوعاتی است که در مورد آموزش عالی زمینه تحقیق را فراهم نموده است.<sup>۱</sup> در باب اهداف و کارکردهای آموزش عالی و دانشگاه چندین پژوهش انجام شده است که برای نمونه چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌شود. قانعی‌راد و هم‌کاران (۱۳۹۲) به بررسی

۱. برای نمونه ر.ک: برزویان شیروان و دیگران (۱۳۹۹)، حسینی لرگانی و مجتبی‌زاده (۱۳۹۷)، دهقان و دیگران (۱۳۹۵)، باقری و دل‌پسند (۱۳۸۷) و ...

مکاتب مختلف در تعیین اهداف و کارکردهای دانشگاه پرداخته و اثرات فرهنگی هر یک از رویکردها را تبیین نموده‌اند. یافته‌های پژوهش شامل مقوله‌های عمده شرایط اجتماعی، مداخله‌ای و زمینه‌ای، جذب، ارزیابی و ارتقاء علمی، سازمان دانش و راهبردهای استادان است. روایت توصیفی تحلیلی با توجه به تعامل شرایط و پدیده در قالب گذار فرهنگی پیرامون مقوله هسته «جذب، ارزیابی و ارتقاء علمی» ترسیم می‌شود که حاکی از بی‌هنجاری فرهنگ تولید و انتقال دانش است.

بررسی تحقق اهداف آموزش عالی براساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) توسط ابطحی و ترابیان (۱۳۸۹) صورت گرفته است. در این پژوهش چهار هدف تعالی و پیشرفت کشور، گسترش آموزش عالی، تربیت نیروی متخصص و در نهایت نظارت، حمایت و هدایت دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاری علمی را به‌عنوان اهداف آموزش عالی معرفی نموده و در نهایت نتیجه می‌گیرند که تنها هدف گسترش آموزش عالی دارای رشد و افزایش و سایر اهداف دارای روند نوسانی بوده‌اند.

همچنین ذاکر صالحی (۱۳۹۶) پس از اشاره به‌نسل‌های دانشگاهی، به بررسی و تحلیل جایگاه و نقش دانشگاه در ایران و اهداف آن پرداخته و به معرفی چهار الگوی شناخته شده آموزش عالی یعنی الگوهای ناپلئونی، هومبولتی، آکسبریجی و الگوی بازار بهره گرفته است. طبق نتایج، در کشور ما، هیچ یک از آن‌ها به‌طور کامل تحقق نیافته و این فقدان الگوریشه در ضعف مؤلفه‌های هویت‌ساز و همچنین کم‌توجهی به‌تدوین فلسفه آموزش عالی دارد.

اما با توجه به‌روی‌کرد اسلامی در این تحقیق به تحقیقات انجام شده در زمینه دانشگاه اسلامی نیز اشاره‌ای صورت می‌گیرد: در این راستا «سند دانشگاه اسلامی» یک تحقیق علمی و نیز یک سند قانونی (در جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به‌تصویب رسیده است. این سند شامل بخش‌های مختلفی از جمله اصول و مبانی، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردها و اقدامات و... است. از جمله دیگر پژوهش‌ها در این رابطه می‌توان به مقالاتی مانند «توسعه و اعتباریابی چارچوبی برای شناسایی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی» تالیف ترک‌زاده (۱۳۹۹) و هم‌کاران، «دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها» نوشته جوانبخش

و هم‌کاران (۱۳۹۹)، «دانشگاه اسلامی؛ دانشگاهی یاددهنده (ضرورت‌ها و چالش‌ها)» تالیف فضل‌الهی و حیدرزاده (۱۳۹۸) و «تدوین الگوی دانشگاه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری براساس نظریه داده بنیاد» توسط محسن شاکری و هم‌کاران (۱۳۹۷) اشاره نمود.

تحقیق در اهداف آموزش عالی (دانشگاه) از منظر اسلامی پیشینه خاص این تحقیق بوده که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: میرزامحمدی و صحبت‌لو (۱۳۸۶) اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را بررسی کرده و در نهایت اهداف دانشگاه اسلامی در راستای پیاده نمودن احکام و قوانین اسلام و قرآن در جامعه اسلامی را تبیین نموده‌اند. همچنین ذوالفقارزاده و سعدآبادی (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که در عصر جدید، کارکرد دانشگاه‌ها تنها در آموزش، پژوهش، کارآفرینی و مانند آن خلاصه نمی‌شود، بلکه در نقش یک پایگاه معرفتی به‌فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی نوین می‌پردازند. ایشان پس از بررسی بیانات امام خمینی (ره)، پنج مقوله اصلی شامل انسان‌سازی، استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن، پی‌ریزی و ساختن آینده، تضمین سعادت ملت‌ها و هدایت‌گری جامعه و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را به‌عنوان کارکردهای اصلی و رسالت دانشگاه براساس آرمان‌های اسلامی معرفی می‌نمایند.

گفتنی است پس از جست‌وجو در میان منابع متعدد، پژوهشی با موضوع اهداف دانشگاه یا آموزش عالی از منظر فقه اسلامی یافت نشد؛ بنابراین، بررسی ادله فقهی اهداف آموزش عالی با روی‌کرد اجتهادی و متخذ از منابع دینی (قرآن و سنت) می‌تواند امتیاز این پژوهش باشد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث نوع تحقیق، کاربردی و از حیث منبع تحقیق، کتاب‌خانه‌ای و از حیث روش تحلیل اطلاعات، اجتهادی است. روش تحلیلی - اجتهادی روشی است که برای استخراج گزاره‌های مختلف (نظری و عملی) از منابع دینی قابل استفاده است. برای استخراج گزاره‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، باید به منابع استنباط معارف دینی، به‌ویژه کتاب و سنت، مراجعه کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۳). از دیدگاه مشهور اصولیون، روش اجتهادی، فعالیت فکری هدفمند، با تکیه بر منابع معتبر است که حاصل آن در برخی موارد، دست‌یابی به احکام

قطعی و در بسیاری موارد، احکام ظنی (معتبر) است. این نتیجه، در پرتو به‌کارگیری مقدمات قطعی یا ظنون خاص در مقدمات استنباط به دست می‌آید (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۲۴ - ۷۲۵؛ حلی، ۱۴۰۴: ۲۴۰-۲۴۱؛ خراسانی، ۱۴۰۷: ۴۶۴). در این روش، متن (در این مورد خاص، متون وحیانی)، با بهره‌گیری از قواعد تفسیر و فرایند فهم متن، مورد تحلیل قرار گرفته و تلاش می‌شود تا مراد گوینده کشف شود (حبیبی، ۱۳۹۷: ۶۸).

### اهداف و کارکردهای دانشگاه از منظر مکاتب مختلف (نسل‌های دانشگاهی)

طبیعی است که دانشگاه به‌عنوان یک نهاد مترقی اجتماعی کارکرد و هدف آن در طول قرن‌ها دست‌خوش تغییرات فراوانی شده و در مکاتب مختلف روی‌کردهای مختلفی به این موضوع وجود داشته است. برخی از این تغییرات اساسی در روی‌کرد به اهداف دانشگاه یک نسل دانشگاهی را ایجاد کرده‌اند. به‌طور کلی چهار نسل برای دانشگاه‌ها قابل تصور است:

دانشگاه‌های نسل اول، نهادهایی هستند که در آن‌ها آموزش، نقش محوری داشته است. از نظر تاریخی، دانشگاه‌های فعال تا قرن هجدهم در این دسته می‌گنجند. هدف این نسل از دانشگاه‌ها انتقال میراث حکمت و دانش به نسل بعد بوده است. ویژگی مهم دیگر این نسل این است که نظر به ساختار سیاسی رایج در آن دوران، دانشگاه‌ها برای فعالیت و از نظر مالی متکی به نظام‌های سلطنتی بوده‌اند (رک: کلارک، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

اولین تغییر جدی در اهداف و کارکردهای دانشگاه در قرن نوزدهم رخ می‌دهد. «هامبولت»، فیلسوف و سیاست‌مدار معروف آلمانی در پی تأسیس نسل جدیدی از دانشگاه بود که هدف خود را افزون بر آموزش و انتقال معرفت به نسل جدید، پژوهش و کشف موضوعاتی قرار می‌دهد که گذشتگان نمی‌دانند. می‌توان گفت که مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی و فناوری رخ داده در دو سده گذشته مرهون نهادینه کردن این نگاه جدید به نقش و هدف دانشگاه (پژوهش محوری) بوده است. در نیمه دوم قرن بیستم، نگاه دیگری ایجاد شد که در این نگاه دانشگاه‌ها می‌بایستی در تولید شغل و ثروت و همچنین توسعه اقتصادی نقش مستقیم ایفا کنند. دانشگاه کمبریج انگلیس توانست با ایجاد یک محیط مختص توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان، از نوآوری

و دانش پژوهش گرانس استفاده کند. در دانشگاه‌های نسل سوم، آموزش و پژوهش همه ذیل نوآوری و کارآفرینی تعریف می‌شود. خطوط پژوهشی دنبال شده در این دانشگاه‌ها آن‌هایی هستند که به نیازهای جامعه، صنایع و کسب و کارها پاسخ می‌گویند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۷).

دانشگاه، نسل چهارم دانشگاهی است که تنها مانند یک بنگاه اقتصادی به صورت منفعلانه به دنبال پاسخ‌گویی به نیاز بازار نیست. این دانشگاه سعی می‌کند تا به صورت فعالانه محیط اجتماعی اقتصادی پیرامونش را شکل دهد (لوکاوپچز و زوتی، ۲۰۱۵: ۳۸). ایجاد یک جامعه بهتر هدف غایی‌ای است که دانشگاه نسل چهارم پیگیر آن است. در واقع اساس مفهوم دانشگاه نسل چهارم، دانشگاه فضیلت‌محور است (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۸۷). جدول ۲ ویژگی‌های نسل‌های مختلف دانشگاه‌ها را با هم مقایسه می‌کند.

جدول ۲. مقایسه نسل‌های مختلف دانشگاه

ویژگی	دانشگاه نسل اول	دانشگاه نسل دوم	دانشگاه نسل سوم	دانشگاه نسل چهارم
هدف	آموزش	آموزش و پژوهش	آموزش، پژوهش، به‌کارگیری	آموزش، پژوهش، به‌کارگیری دانش، توسعه اقتصادی اجتماعی و فضیلت محوری
نقش	حفاظت از حقیقت	شناخت حقیقت	ایجاد ارزش افزوده	خلق اهداف راهبردی نقش موتور محرک در جامعه
خروجی	متخصصین	دانشمندان	کارآفرینان	متخصصین، دانشمندان، کارآفرینان و جامعه بهتر

پس از آشنایی با رویکردهای مختلفی که به اهداف و کارکردهای دانشگاه در جهان وجود دارد در ادامه به بررسی اهداف دانشگاه از منظر فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

### بایسته‌های فقهی تعیین اهداف دانشگاه در تعالیم اسلامی

پس از بررسی احکام و قواعد فقهی و به‌طور خاص قواعد فقهی مرتبط با عرصه علم و نیز

عرصه سیاست‌گذاری و حکم‌رانی مواردی که بیشترین تناسب را با موضوع اهداف آموزش عالی داشتند، انتخاب شده و در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### قاعده اول: لزوم همراهی تزکیه با تعلیم

تزکیه و تعلیم، از مفاهیم کلیدی در تعلیم و تربیت اسلامی هستند. در قرآن کریم تزکیه و رسیدن به طهارت نفس به عنوان یکی از اهداف اصلی انبیا مطرح شده است. خداوند متعال در آیه ۱۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِيهِمْ» که نشان می‌دهد که یکی از کارکردهای اصلی بعثت انبیا ایجاد تزکیه در نفوس افراد در کنار تعلیم است.

تزکیه در کتب لغت ذیل «زکا» آمده است، و «زکا» به‌به معنای دوری کردن از عیب و نقص، پاک و اصلاح کردن نفس از آلودگی‌هاست (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۸). ابن منظور در لسان العرب، تزکیه را ذیل «زکو» آورده و معانی پاکیزگی، رشد، صلاح، شایستگی و مدح را برای آن ذکر نموده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۴). فخرالدین الطریحی نیز در مجمع البحرین، تزکیه را ذیل «زکو» بیان نموده و آن را تطهیر از اخلاق زشت و مذموم دانسته است: «تزکیه: التطهیر من الاخلاق الذميمة» (الطریحی، بی‌تا: ۲۸۱). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه ۱۵۱ سوره بقره، تزکیه را به معنای تطهیر دانسته و بیان کرده «تطهیر عبارت از: زایل کردن پلیدی‌ها و آلودگی‌ها است، تطهیر از اعتقادات فاسدی چون شرک و کفر، ملکات رذیله چون تکبر و بخل، اعمال فاسد چون قتل و شراب خواری است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۹۶). براساس آنچه در معنای تزکیه ذکر شد، چیزی که در همه اقوال مذکور در مورد تزکیه مشترک و مورد تأکید است معنای تطهیر و پاکیزگی است.

در ادامه جهت روشن شدن لزوم هماهنگی تعلیم با تربیت به بررسی ادله و شواهد موضوع در قرآن، روایات و اقوال علما پرداخته می‌شود.

### الف. قرآن کریم

کتاب الهی در چهار مورد، دو واژه «تعلیم» و «تزکیه» را کنار هم به کار برده است. این آیات عبارتند از:



«يَزَكِّيْكُمْ وَيَعْلَمُكُمْ» (بقره: ۱۵۱)؛

«وَيَزَكِّيْهِمْ وَيَعْلَمُهُمْ» (آل عمران: ۱۶۴)؛

«وَيَزَكِّيْهِمْ وَيَعْلَمُهُمْ» (جمعه: ۲)؛

«وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيَزَكِّيْهِمْ» (بقره: ۱۲۹)

«تعلیم و تزکیه»، هر چند تحت دو عنوان از آن‌ها تعبیر شده و از نظر مفهومی متفاوت می‌باشند، ولی ذکر آن‌ها در کنار هم به‌عنوان اهداف و کارکردهای نبوت و بعثت انبیا نشان از این دارد که در مقام عمل و تحقق، قرابت خاصی با هم دارند. برخی از مفسران ذیل آیات فوق به این نکته اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال در تفسیر نمونه، پس از اشاره به تقدّم و تأخّر دو واژه تعلیم و تزکیه آمده است: این تعبیر نشان می‌دهد این دو امر در یک‌دیگر تأثیر متقابل دارند. اخلاق [تزکیه] زاینده علم است، همان گونه که علم زاینده اخلاق است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۵۴). صاحب‌المیزان نیز ذیل آیه دوم سوره جمعه، مقدم بودن تعلیم بر تزکیه را مورد تأکید قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۹۶).

## روایات

همراهی و جدایی‌ناپذیری تعلیم و تربیت، به‌ویژه با تأکیدها و تصریح‌های قرآن، روشن بوده و حضرات معصوم (ع) نیز با عباراتی متفاوت به این همراهی اشاره کرده‌اند. در روایات به‌گونه‌های مختلف تعامل و جدایی‌ناپذیری علم با ابعاد و جلوه‌های تربیت و تزکیه سخن به‌میان آمده است. یکی از مواردی که در روایات آمده و دال بر لزوم همراهی تعلیم با تربیت و بلکه تقدّم تربیت و تهذیب نفس بر تعلم است، حدیث عنوان بصری است؛ در این حدیث، امام صادق (ع) به‌عنوان بصری می‌فرماید: «ای اباعبدالله! علم به‌آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین، اگر علم می‌خواهی ابتدا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۲۴). این روایت از سند قوی برخوردار نیست و علامه مجلسی در بحار آن را به نقل از شیخ بهایی مطرح

کرده است و سند شیخ بهایی نیز در کتابش، متصل به معصوم نیست. البته مضمون این فقره از روایت مشهور بوده و در کتب دیگری با عبارات مشابه ذکر شده<sup>۱</sup> که می‌تواند قرینه‌ای برای تقویت استناد به عبارت مذکور باشد.

اهمیت تقوا در بین عالمان دینی و خطر فساد آن‌ها (عدم تزکیه نفس) در روایاتی اشاره شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌گردد:

امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «لغزش عالم، همه عالم‌ها را فاسد می‌سازد» (غررالحکم، ج ۱: ۴۲۶). ایشان همچنین می‌فرمایند: «لغزش عالم همانند شکسته شدن کشتی در دریا است هم خود غرق می‌شود و هم موجب غرق شدن سرنشینانش می‌گردد<sup>۲</sup>» (غررالحکم، ج ۱: ۴۲۶) و<sup>۳</sup>. در وصایای رسول (ص) به ابوذر آمده است که: «يَا أَبَا ذَرٍّ، اَعْلَمَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِذَا فَسَدَ فَالْمِلْحُ دَوَاؤُهُ، فَإِذَا فَسَدَ الْمِلْحُ فَلَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ» - یعنی: «ای ابوذر! بدان که نمک داروی جلوگیری از فساد است. و چون نمک فاسد شود برای آن دارویی نیست.» شیخ طوسی در امالی به نقل از شیخ صدوق می‌فرماید که: هَذَا الْمَثَلُ لِعِلْمَا السَّوِّءِ يَعْنِي «این مثل علمای بدکار است» (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۳۳).

از لزوم همراهی علم و عمل و نیز خطر فساد علما می‌توان اهمیت توجه به تهذیب و تزکیه نفس در بین دانشجویان را فهمید. آیات قرآن کریم که به آنها اشاره شد نیز شاهدهی بر این مدعاست. در مجموع از روایات فهمیده می‌شود که در اندیشه دینی پرداختن به علم بدون توجه به عمل و تزکیه نفس مطلوب نیست.

۱. أَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِرُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ. (مصباح الشريعة، ص ۱۶؛ قرۃ العیون، فیض الکاشانی، ص ۴۳۸).

۲. زَلَّ الْعَالَمُ كَانِكِسَارِ السَّفِينَةِ تُغْرَقُ وَ تُغْرَقُ مَعَهَا غَيْرَهَا.

۳. در این رابطه گفته شده است که اذا فسَد العالم فسَد العالم «اگر عالم فاسد شد عالم فاسد می‌شود.» (خونی، ج ۶، ۱۸۶).

۴. تعابیری نظیر آنچه گفته شد در روایت موجود است. نظیر: «علم بلا عمل کسب بلا ثمر.» (غرر الحکم، ۶۲۹۰)، «علم بلا عمل کفوس بلا وتر»، «علم لا ینفع کدواء لا ینجع»، «علم بلا عمل حجة الله علی العبد» (غرر الحکم، ۶۲۹۶)؛ «علم لا یصلحک ضلال» (غرر الحکم، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸).

## اقوال علما

این موضوع در اقوال و آثار فقها و اندیشمندان اسلامی مورد اشاره قرار گرفته ولی موضوع بحث فقهی مستقلی نبوده است. از جمله خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب آداب المتعلمین به اهمیت تقوا و تهذیب نفس در کنار علم اندوزی در یک فصل جداگانه پرداخته است (خواجه نصیر، ۱۳۹۰، فصل دهم). شهید ثانی نیز در کتاب منیه المرید که کتابی در موضوع آداب تعلیم و تربیت است، به این مقوله اشاره داشته است (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۶۵-۱۸۷). در بین اندیشمندان و فقهای معاصر نیز موضوع تقوا و تزکیه در آداب تعلیم و تربیت مورد توجه بوده است (اعرافی، ۱۳۹۸، ۷۰-۹۰). اما از آن جا که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان دو مجتهد جامع الشرایط و ولی فقیه زمان بوده و هستند، فرمایشات ایشان به عنوان فقیه مبسوط الید که در مقام تعیین اهداف و سیاست‌های کلی بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند، می‌تواند در مسیر استنباط فقهی (به عنوان مویذ) مورد استفاده قرار گیرد.

از جمله فرمایشات ایشان در این رابطه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوی در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاء الله بیرون می‌آیید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم ... نفس خود را مهار کرده باشید» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۱۷).

«حکومت اسلامی ... با دانشگاه مخالف نیست... با این نحو تربیت و تعلیمی که شما می‌خواهید ما را تربیت کنید، با این ما مخالفیم. با آن مظاهر تمدن که بچه‌های ما را فاسد می‌کند ... ما با آن مخالفیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۶۴).

«آموزش بدون پرورش باعث فساد جامعه می‌شود» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۴۹۲).

«همه دانشگاه‌ها باید در کنار آموزش به تربیت اخلاقی اهتمام جدی داشته باشند» (خمینی،

۱۳۸۵، ج ۱۲: ۵۰۰).

مقام معظم رهبری نیز در همین راستا دو عنصر اصلی را در رسالت دانشگاه برمی‌شمرند: «یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهای علمی؛ یکی هم روحیه

تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو. این دو عنصر در دانشگاه‌ها بایستی بدون تفکیک از یک‌دیگر و با قدرت تعقیب شوند» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۰۷/۱۰). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «مهم‌ترین امر در دانشگاه یعنی تربیت دانشجویان و پرورش نیروهای متخصص و متعهد برای نظام است. دانشگاه به‌عنوان دستگاه انسان‌سازی جامعه، بایستی ... انسان متناسب با هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد. ... توقع ما از دانشگاه کشور این است که اگر یک جوان کم اعتقاد لابلالی وارد دانشگاه شد، در حالی از دانشگاه بیرون بیاید که عمیقاً متدین و دارای تعهد دینی و اخلاقی دینی است» (مقام معظم رهبری، ۸۴/۰۸/۲۰).

### دلالت قاعده بر اهداف دانشگاه

در نظام آموزشی عالی مبتنی بر آموزه‌های دینی تزکیه و تربیت از شأن و منزلتی ویژه برخوردارند. بر آموزنده علم فرض است که در کنار هر گام برای تحصیل علم، یک گام هم برای تحصیل اخلاق و تهذیب بردارد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۷). در اندیشه اسلامی، همواره علم و علم‌آموزی با تهذیب و دین‌داری همراه بوده است و این، حکایت از تقدس فرایند تعلیم و تربیت دارد. تأکید مکرر قرآن بر تهذیب و تعلیم، دورسالت بزرگ پیامبران، الگوی روشنی را فراروی کسانی می‌نهد که گام در راه پیامبران می‌گذارند و رسالت آموزش و راهبری را بر دوش می‌کشند.

با توجه به‌تعبیر فوق، انسان‌سازی را می‌توان مهم‌ترین رسالت دانشگاه فرض کرد. یکی از اهداف اصلی دانشگاه باید تزکیه نفوس افراد باشد. همان‌گونه که در نظام آموزش رسمی کشور برای وزارت متکفل آموزش مقدماتی، عنوان آموزش و پرورش وضع شده و نیز در ساختار آن معاونت پرورشی تعیین گردیده است، در آموزش عالی نیز باید این مقوله لحاظ گردد و این هدف باید در انتخاب محتوای آموزشی، گزینش استادان و نحوه مدیریت و ساختار دانشگاه خود را نشان دهد. در غیر این صورت، دانشگاه بدون لحاظ تزکیه در دروس، استادان و... دانشگاه مطلوب اسلامی نبوده و بایسته‌های فقهی لازم را دارا ناست.

به نظر می‌رسد برخی از دانشگاه‌های امروز (در جمهوری اسلامی) به‌علت وجود مدیران و موسسان مومن و دیندار به‌موضوع تزکیه و همراهی آن با تعلیم توجه نموده‌اند و فعالیت‌های

مثبتی از قبیل برگزاری مراسمات مذهبی، تاسیس و تقویت نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه به‌عنوان عالم دینی و مربی تربیتی و... را زمینه‌سازی می‌نمایند که آثار مثبتی هم در پی داشته است، اما این کافی نیست؛ چرا که در دانشگاه‌های امروزی، اثرات تفکر سکولار مشاهده شده و خروجی‌های آن‌ها تناسب حداکثری با اهداف و ارزش‌های اسلامی ندارد. در واقع چون در تدوین اهداف، سیاست‌های جذب دانشجو و استاد و نیز متون آموزشی مقوله تهذیب نفس و... اصلاً لحاظ نشده است، بنابراین، بایسته‌های فقهی لازم رعایت نشده است. یعنی به‌لحاظ فقهی می‌توان گفت که همراهی تعلیم با تزکیه، الزام داشته و برای مدیران آموزش عالی این همراهی تکلیف‌آور است.

### قاعده دوم: لزوم رفع نیازهای مسلمانان (اهتمام)

منفعت‌رسانی به مسلمانان و رفع نیازهای افراد جامعه اسلامی موضوعی است که با عناوین مختلف (انفاق، اهتمام به امور مسلمانان، تعاون و...) در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. این اهمیت برخی از فقها را بر آن داشت تا به‌عنوان یک قاعده فقهی در عرصه اجتماعی و حکومتی به آن پرداخته و ادله نیز شقوق مختلف آن را مورد بررسی قرار دهند (اعرافی، ۱۳۹۹: ۲۵۴-۳۰۰). در ادامه بررسی فقهی این قاعده و تطبیق آن با اهداف آموزش عالی صورت می‌پذیرد.

### الف. ادله قاعده رفع نیازهای مسلمانان

روایات فراوانی توجه و اهتمام به امور مسلمانان را مورد سفارش قرار داده است. در این بخش تعدادی از این روایات را بررسی می‌کنیم تا دلالت آن‌ها را به‌دست آوریم. شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه، روایاتی با عنوان وجوب اهتمام به امور مسلمانان را آورده که به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) روایت اول: عَلِيُّ بْنِ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کافی، ج ۲: ۱۶۲). در بررسی سندی روایت می‌توان گفت که این روایت، موثقه است. چون علی بن ابراهیم و پدرش

ابراهیم بن هاشم هر دو از ثقات هستند و نوفلی هم علی التحقیق امامی و ثقة است، اگر چه در آخر عمر به غلو متهم شده است. سکونی نیز که از عامه است علی التحقیق ثقة است (اعرافی، ۱۳۹۹: ۲۶۵)

ب) روایت دوم: مُحَمَّدُ بْنُ یحیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کافی، ج ۲: ۱۶۴). بررسی سندی روایت دوم نیز نشان می‌دهد که محمد بن یحیی که ظاهراً محمد بن یحیی عطار است به نظر نجاشی و علامه حلی ثقة است و احمد بن محمد بن عیسی و نیز حسن بن محبوب توثیق شده‌اند (کشی: ۵۵۶ و ۴۵۰). اما در مورد محمد بن القاسم توثیقی وارد نشده است. لذا روایت ضعیف است<sup>۱</sup>.

در توضیح روایت‌های فوق باید گفت که سه مطلب «اهتمام»، «امور» و «لیس بمسلم» نیازمند دقت و بررسی است. مقصود از «اهتمام»، تلاش در جهت حل مشکل است چه مستقیم و چه غیر مستقیم. یعنی مکلف وظیفه دارد خودش برای حل مشکل مسلمانان تلاش کند یا کسی را برای این کار بگمارد (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۰۹؛ اعرافی، ۱۳۹۹: ۲۶۸).

همچنین مقصود از «امور» می‌تواند شامل همه امور مسلمانان، اعم از فردی و اجتماعی و مهم و غیر مهم باشد یا اختصاص به امور مهم اجتماعی داشته باشد؛ زیرا امور، مطلق است و امکان دارد همه نیازها و مشکلات مسلمانان را شامل شود. در نتیجه وظیفه مکلفان، پرداختن به هر نوع نیازی است که در زندگی مسلمانان وجود دارد. یکی از آن نیازها، آموزش و تعلیم است. ولی احتمال دیگر این است که با توجه به لحن شدید روایت، امور مهم و کلان اجتماعی مراد روایات باشد، نه امور جزئی فردی.

مقصود از «لیس بمسلم» چیست؟ اگر کسی به امور مسلمانان رسیدگی نکند از دین خارج می‌شود؟ قطعاً این طور نیست، زیرا خروج از دین یک امر اعتقادی است و با عدم اعتقاد به

---

۱. راهی برای اصلاح سند این روایات وجود دارد و آن این‌که چون روایات متعدد با مضمون واحد در این زمینه زیاد است، تعدد روایات سبب می‌شود که اطمینان به صدور روایت با این مضمون از معصوم پیدا شود (داودآبادی،

ضروریات دین حاصل می‌شود و کاری به عمل ندارد. قصور در عمل و ترک تکالیف الهی سبب فسق می‌شود، نه کفر. از این رو مقصود از «لیس بمسلم» این نیست که عدم اهتمام به امور مسلمانان، کفر می‌آورد، بلکه نشانه اهمیت و ضرورت کار است. در واقع این یک بیان خاص برای نشان دادن ضرورت کار است که خیلی رساتر از امر و نهی است. به دلیل اهمیت بالای پرداختن به امور مسلمانان، کسی که این کار را ترک کند، عمل حرامی انجام داده است، پس انجام آن واجب است (اعرافی، همان: ۲۶۸).

### دلالت قاعده رفع نیاز مسلمین

روایاتی که اهتمام به امور مسلمانان را مهم دانسته، به احتمال زیاد، به امور مهم و کلان جامعه انصراف دارد و این، باعث می‌شود که با قاطعیت نتوان لزوم آموزش عالی در همه موضوعات را از آن به دست آورد. در این میان، روایاتی وجود دارد که دلالت بر وجوب دارند و شامل همه نیازمندی‌های مسلمانان می‌شود<sup>۱</sup>. بنابراین، آیات و روایات در موضوع رفع نیازهای عمومی مسلمین، دلالت بر استحباب مؤکد دارند و در رابطه با نیازهای ضروری و مهم مسلمانان (به‌ویژه در مسایل مالی)، دلالت بر وجوب هم می‌کنند. در ادامه به اهداف آموزش عالی براساس آنچه از این روایت‌ها فهمیده شد، اشاره می‌شود.

#### ۱. تولید علم (با تأکید بر علوم انسانی و علوم کاربردی در حکومت و جامعه)

برخی از علوم انسانی مثل دانش مدیریت، اقتصاد و ... در اداره حکومت می‌توانند مفید و کار بردی باشند. این علوم در غرب و بدون توجه به مبانی دینی تولید و اجرا شده‌اند. محتوای برخی از بخش‌های علوم انسانی کاملاً قابل اصطیاد از متون دینی بوده و پس از تایید توسط مراجع ذی صلاح می‌تواند به عنوان متن درسی قرار گیرد. این کار مصداق کمک و یاری مدیران نظام در عمل به دستورات اسلام در موضوعات مختلف اجتماعی و خانوادگی است (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۳۵). به عنوان نمونه می‌توان به آموزش تعالیم اقتصادی اسلام در نحوه بانکداری بدون

۱. مثل روایات «معونة المؤمن» و امثال آن؛ از این روایات وجوب مساوات استفاده می‌شود (ر.ک: اعرافی،

ربا اشاره نمود که فقها معتقدند: «نه تنها بانکداری کار خلاف شرعی نیست، بلکه بانکداری به شیوه صحیح و اسلامی آن، برای زندگی در جوامع امروزی جزء ضروریات و واجبات است و می‌تواند مصداق روشن «رفع نیازهای مسلمین» باشد.» (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۲۱).

## ۲. آموزش و ترویج علوم کاربردی در رفع نیاز مسلمانان (مرتبط با عمران و آبادانی کشور)

یکی از نیازهای جامعه مسلمانان عمران و آبادانی است که افزون بر دلیل عام لزوم رفع نیازهای مسلمانان دلیل دیگری دارد و آن روایت امام علی (ع) است که در نامه ۵۳ به مالک اشتر، محور اصلی وظیفه دولت اسلامی را عمران و آبادانی شهرها، اصلاح امور مردم، جنگ با دشمنان، جمع‌آوری مالیات و درآمدها و بالطبع هزینه کردن آن‌ها در موارد لازم تعیین فرموده‌اند؛<sup>۱</sup> زیرا آن حضرت معتقد بودند که آبادانی و توسعه از اجزای جدایی‌ناپذیر عدالت است و بدون پیشرفت و توسعه، عدالت حقیقی دست یافتنی نیست و هیچ مقوله‌ای هم‌تای عدالت در عمران و آبادانی شهرها نیست (داودآبادی، ۱۳۹۸: ۶۵).

از جمله مقدمات کلیدی عمران و آبادانی کشور که در سنت و سیره معصومین علیهم السلام بدان اشاره شده است (رستمیان، ۱۳۷۹: ۵۷)، می‌توان به آموزش تخصصی آن‌ها در دانشگاه‌ها (آموزش عالی کشور) اشاره کرد. بنابراین، هر آموزش تخصصی در راستای آبادانی کشور (آموزش‌های مهندسی مثل سدسازی، نانو فناوری و...) می‌تواند مقدمه‌ای برای رفع نیازهای مسلمانان و عماره بلاد که از وظایف حکومت اسلامی شمرده شده است (نهج البلاغه نامه ۵۳) شمرده گردد و از باب مقدمه واجب یا به‌عنوان اعانه بر نیکی شامل حکم وجوب گردد.<sup>۲</sup>

---

۱. وظایف کلی حکومت که در جای خود به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است و بر آن مبنا حکم فقهی سیاستهای دولت در رابطه با دانشگاه‌های مختلف بیان می‌گردد. به‌طور اجمالی می‌توان گفت که وظایف دولت اسلامی در مأموریت مالک اشتر از سوی امیرالمؤمنین (ع) عبارتند از: ۱. گردآوری منابع مالی؛ ۲. نبرد در برابر دشمن؛ ۳. تلاش برای اصلاح مردم؛ و ۴. آبادانی کشور (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. البته برطرف کردن همه نیازهای مسلمانان واجب نیست ولی رجحان دارد. به‌طور کلی حاکم باید نیازهای مهم و ضروری را مورد توجه قرار دهد و به‌طور کلی براساس قاعده الایم فالایم نیازها را اولویت‌بندی نموده و متناسب با اقتضانات و امکانات خود مواردی را که توسط دیگران برطرف نمی‌شود را تأمین کند.



### ۳. تعلیم و تربیت نیروی انسانی (کادرسازی برای جامعه اسلامی)

یکی از نیازهای جامعه مسلمین، افراد متخصص و توانمند برای تصدی مشاغل مختلف تخصصی (مثل پزشکی و...) و مدیریتی است که در صورت نبود آنها نیازهای جامعه مسلمانان برطرف نمی‌شود. طبیعتاً تربیت چنین افرادی از باب مقدمه واجب، واجب شمرده می‌شود. مشخص است که لازمه این مهم انتخاب افرادی است که صلاحیت تعلیم و قابلیت قرارگرفتن در پست‌های کلیدی را دارا باشند زیرا اگر آموزش افراد بی‌صلاحیت صورت گیرد، زمینه‌ای برای ضرر به مسلمانان است. در جامعه اسلامی یکی از وظایف حکومت این است که ظرفیت‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی ضروری برای مشاغل مختلف مورد نیاز جامعه را فراهم آورد.

#### قاعده سوم: لزوم حفظ استقلال و خودکفایی جامعه مسلمان (قاعده نفی سبیل)

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقهی است که فقها در موارد بسیاری، این قاعده را مبنای استنباط احکام شرعی قرار داده‌اند. مرحوم بجنوردی این قاعده را از قواعد معروف و مشهوری می‌داند که اصحاب به آن عمل کرده و در فروعات زیادی آن را تطبیق کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۸۷). براساس مفاد این قاعده هر عمل فردی یا جمعی، از معاملات گرفته تا روابط بین مسلمانان و کافران که سبب شود دشمنان دین یا غیر مسلمان، راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، حرام است و جواز شرعی ندارد. بر این اساس مقررات اسلامی در ساحات داخلی، خارجی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که به هیچ نحو موجبات سلطه کفار و غیرمسلمانان را در پی نداشته باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۹۳). امام خمینی (ره) نیز مفاد این قاعده را نفی سلطه کفار و بیگانگان بر امت اسلامی می‌داند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۲۰-۷۲۷). همچنین ایشان در تحقیق پیرامون این قاعده به بعدی از ابعاد سیاسی این قاعده اشاره کرده و معتقدند، مفاد این قاعده تأکید می‌کند که خداوند راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است، در نتیجه سلطه کفار بر مسلمانان در عالم خارج از جانب خداوند نیست و مسلمانان دیگر دستاویزی به عنوان تقدیر و مشیت الهی برای تحمل ظلم و زور کفار ندارند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۲۵).

## الف. ادله قاعده

مهم‌ترین دلیل این قاعده، آیه مشهور به «نفی سبیل» است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۴۱). برخی از فقها این آیه را از دلایل اصلی قاعده می‌دانند و الفاظی که فقها برای تعبیر از این قاعده به کار می‌برند، از واژه‌های این آیه گرفته شده است. «سبیل»، در لغت همان گونه که امام (ره) به آن اشاره می‌کند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۲۱) به معنای طریق است. ولی در آیه، احتمالات مختلفی در باب معنای سبیل گزارش شده است. برخی ضمن اشاره به اختلاف مطرح در مراد از این کلمه، به پنج وجه اشاره می‌کنند. این احتمالات بدین قرار است: نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۴۱۹). گذشته از این احتمالات، احتمالات دیگری هم ممکن است طرح شود که البته برخی از مفسران هم به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ذیل آیه و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۹۷). امام خمینی (ره) واژه سبیل را در این آیه همچون دیگر استعمالات آن در قرآن (بقره: ۱۵۴، ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۱۸؛ نساء: ۱۱۵؛ انعام: ۵۵؛ الأعراف: ۱۴۲ و ۱۴۶؛ توبه: ۹۳؛ رعد: ۳۳) بر معنای لغوی آن حمل می‌کند. ایشان معتقدند که سبیل در این کریمه مردد بین معانی مختلف نیست و ضمن دلالت بر معنای طریق، بر مطلق طرق تکوینی و تشریحی دلالت دارد و خداوند متعال در تکوین و تشریح برای کافران راهی برای سلطه بر مؤمنان قرار نداده است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۲۱-۷۲۳). براساس مفاد این قاعده هر عملی که باعث شود کفار راهی برای سلطه و ولایت بر مؤمنان پیدا کنند، حرام است (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۱). به مقتضای این قاعده هر برنامه، قانون و قراردادی که موجب علو و برتری کفار بر مؤمنان شود، اعتبار شرعی ندارد.

## کاربرد قاعده

فقها این قاعده را از دو جنبه سلبی و ایجابی مورد اهتمام قرار می‌دهند. جنبه سلبی این قاعده، نفی ظلم و ستم، استبداد، استعمار و وابستگی برای حفظ استقلال است. جنبه ایجابی آن نیز رفع نیازهای مسلمانان در جامعه اسلامی و ارتقای منزلت حکومت اسلامی نزد مسلمانان و

مستضعفان جهان است. به عبارت دیگر جنبه ایجابی آن به مفهوم بنیاد مثبتی است تا از رهگذر برخی راهکارها، دولت اسلامی در مسدود نمودن راه دخالت بیگانگان و ارتقای عزت جامعه اسلامی موفقیت حاصل نماید (زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۶).

استقلال و عدم وابستگی در همه ابعاد و حوزه‌های ملل و دول اسلامی می‌تواند از قاعده نفی سیل منتج شود. دولت اسلامی براساس آموزه‌های دین مبین اسلام نه زیر بار ظلم می‌رود، نه به دنبال سلطه بر دولت‌های دیگر است و نه سلطه قدرت‌های بزرگ را بر خود و یا بر دولت‌های دیگر مسلمان یا غیر مسلمان می‌پذیرد (زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۸). یکی از ابعاد مهمی که نظام اسلامی باید به دنبال استقلال در آن باشد، بُعد علمی و فکری جامعه است که قطعاً آموزش عالی کشور از مصادیق بارز آن است. استقلال فکری از کفار (که غرب نمونه بارز آن است) به قدری اهمیت دارد که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد»، در گفتمان رهبری، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که «علم از درون مبانی فکری و اعتقادی خود ما بجوشد و ما دست‌گدایی به سمت دشمن دراز نکنیم» (میرزامحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶: ۲۰).

امام خمینی (ره) نیز در این خصوص می‌فرمایند: «اگر این دو قشر (دانشجو و دانش‌آموز) تربیت شدند، مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند، بدون وابستگی به خارج» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۳). ایشان در جای دیگر این گونه بیان می‌دارند: «بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان... باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شست‌وشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۷۹).

بنابراین، براساس قاعده نفی سیل، هر فعلی که باعث ایجاد تسلط کفار بر مسلمانان و سیطره دولت‌های غیر اسلامی بر دولت و جامعه اسلامی شود، حرام است و بالملازمه بر هر مسلمانی واجب است (به صورت کفایی) از سلطه کفار بر مسلمانان جلوگیری کند. بنابراین، نظام مدیریت آموزش عالی باید به گونه‌ای تدوین شود که هدف آن قطع دست بیگانگان از

برنامه‌های درسی بوده و کشور را از حیث آموزش‌های تخصصی و دانش‌های مورد نیاز جامعه از کفار بی‌نیاز کند. براساس جنبه سلبی قاعده نفی سبیل، هر تصمیمی که در نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی تدوین شود که اقتضای آن ایجاد وابستگی به علم و فناوری کفار باشد، جایز نبوده و اجرای آن نیز توسط مسئولان و استادان دانشگاه‌ها از لحاظ شرعی جوازی ندارد.<sup>۱</sup> همچنین براساس جنبه ایجابی که بیشتر محل بحث است، هدف‌گذاری مدیریت آموزش عالی باید به‌گونه‌ای باشد که در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص و تولید دانش‌های بومی و نیز ایجاد استقلال فکری در دانشجویان بتواند در کوتاه‌ترین زمان، جامعه اسلامی را از کفار و بیگانگان بی‌نیاز کند. در ضمن، پذیرش دانشجویان مسلمان خارجی جهت بی‌نیاز کردن جهان اسلام از نیروی انسانی متخصص کافر و نیز علم و فناوری برای خدمت به مسلمانان کشورهای دیگر می‌تواند بخشی از اهداف آموزش عالی قرار گیرد.

### جمع‌بندی اهداف دانشگاه با رویکرد اسلامی و مقایسه با نسل‌های دانشگاهی

همان‌گونه که توضیح داده شد، در مورد کارکردها و اهداف دانشگاه رویکردهای مختلفی وجود داشته و دارد که به‌عنوان نسل‌های دانشگاهی تعبیر می‌شود که چهار نسل آن مشهور است: دانشگاه‌های نسل اول: دانشگاه‌های آموزش محور با هدف اصلی آموزش نیروهای انسانی جامعه و افزایش سطح آگاهی جامعه هستند؛ دانشگاه نسل دوم: دانشگاه پژوهش محور است هستند که توسعه مرزهای دانش و پژوهش‌های بنیادی را به‌طور خاص دنبال می‌کند؛

دانشگاه نسل سوم: پژوهش‌های کاربردی، نوآوری و کارآفرینی مورد تأکید است؛ دانشگاه نسل چهارم: دانشگاه‌های فضیلت‌محور هستند که تأکید آن‌ها بر آموزش هنر زیستن متعالی به‌افراد جامعه است.

از سوی دیگر تبیین شد که در رویکرد اسلامی و مبتنی بر فقه اسلامی که دربرگیرنده احکام و قوانین فردی و اجتماعی است، براساس قواعد فقهی «لزوم همراهی تعلیم با تزکیه»، «لزوم

۱. مشابه این بحث در اجرای سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش نیز وجود دارد.

منفعت‌رسانی به مؤمنان» و «نفی سبیل» و... اهداف ذیل برای عرصه آموزش عالی تعریف می‌شود: آموزش تعالیم اسلامی، ارتقای تعلیم و تربیت در جامعه (روی‌کرد فضیلت‌محوری)، توجه به تزکیه و تهذیب نفس و همراهی پرورش با آموزش عالی، تولید علم (با تأکید بر علوم انسانی و علوم کاربردی در حکومت و جامعه)، آموزش و ترویج علوم کاربردی در رفع نیازهای مسلمانان، عمران و آبادانی کشورهای مسلمان، حفظ استقلال و خودکفایی و...

همان گونه که مشاهده می‌شود، برخی از کارکردها و اهداف مطرح شده در نسل‌های مختلف دانشگاهی با اهداف آموزش عالی در گفتمان انقلاب اسلامی قرابت دارد و برخی از محورهای اصلی مثل تزکیه و تهذیب نفس مغفول واقع شده است. نکته قابل توجه این است که محوریت داشتن و اصل بودن هر یک از این اهداف، نیازمند دلیل کافی است که وجود ندارد. به نظر می‌رسد که جریان نسل‌بندی دانشگاه‌ها و محور قرار دادن یکی از کارکردها و کم‌توجهی به دیگر اهداف و کارکردها بدون لحاظ نیازهای واقعی جامعه و ارزش‌های اسلامی، توجیه کافی ندارد. از آن‌جا که بخش مهمی از مسئولیت نهاد علم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی اثرگذاری بر تعالی جامعه است، لازم است مدیریت آموزش عالی کشور، الگوهای دانشگاهی بومی را در رشته‌ها و علوم مختلف متناسب با اهداف مطرح شده برای آموزش عالی از منظر فقه تربیتی طراحی نموده و براساس نیاز جامعه به هر یک از کارکردها، این دانشگاه‌ها را مورد حمایت قرار دهد. به طوری که وزن‌دهی و توسعه علوم و دانشگاه‌ها با روی‌کردهای مختلف با الگوی بومی متوازن و متناسب با نیازهای جامعه و ارزش‌های متناسب با روی‌کرد اسلامی صورت گیرد.

### منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

۱. ابطحی، سیدحسین و ترابیان، محسن (۱۳۸۹)، «بررسی تحقق اهداف آموزش عالی براساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)»، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۴، شماره ۸، بهار ۱۳۸۹ ش.
۲. ابن‌منظور، (۱۴۰۸)، *لسان‌العرب*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳. اعرافی، علی رضا (۱۳۹۸)، *فقه تربیتی*، ج ۷. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۴. اعرافی، علی رضا (۱۳۹۹)، *وظایف تربیتی حکومت اسلامی*، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۵. باقری، مصباح الهدی و دلپسند، جواد (۱۳۸۷)، «*طراحی و تدوین الگوی برنامه ریزی استراتژیک در دانشگاه های مأموریت محور؛ مورد مطالعه: حوزه آموزش دانشگاه امام صادق (ع)*»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳.
۶. برزوین شیروان، صمد؛ لیلا زمانی و شرفی، محمد (۱۳۹۹)، *اقتصاد آموزش عالی پیش زمینه، مفاهیم و کاربردها*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. ترک زاده، جعفر؛ هاشمی اردکانی، سید جواد (۱۳۹۹)، «*توسعه و اعتباریابی چارچوبی برای شناسایی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی*»، نشریه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۲، صص ۲۹۵-۳۱۶.
۸. جوانبخش، مرجان؛ ابوالقاسمی، محمود و فضل الهی قمشی، سیف اله (۱۳۹۹)، «*دانشگاه تمدن ساز اسلامی؛ چالش ها و راهکارها*»، نشریه معرفت، خرداد ۱۳۹۹، شماره ۲۷۰، صص: ۷۱-۸۲.
۹. حاتمی محمدرضا و اسماعیلی مصطفی، ۱۳۹۰، *تعالی گفتمان انقلاب اسلامی در جنبش های بیداری اسلامی*، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۴، صص: ۸۴-۶۵.
۱۰. حبیبی، رضا (۱۳۹۷)، «*طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر روش اجتهادی با رویکرد نظام مند*»، نشریه مطالعات فقه تربیتی، دوره ۵، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۶۳-۸۸.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۲. حسینی لرگانی، سیده مریم و مجتبی زاده، محمد (۱۳۹۷)، *طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی برای نظام آموزش عالی ایران*.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ق.)، *مبادئ الوصول إلى علم الأصول*، قم: المطبعة العلمية.
۱۴. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۷ق.)، *کفایة الأصول*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

۱۵. خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام* (۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۱۶. همو (۱۴۲۱ق)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۷. داودآبادی، محسن (۱۳۹۸)، «*تحلیلی بر قاعده فقهی اعانه علی البر و موارد کاربرد آن در عرصه حکومت*»، پژوهش نامه میان رشته‌ای فقهی دانشگاه امام صادق (ع)، دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۳۷-۵۸.
۱۸. داودآبادی، محسن (۱۳۹۹)، *الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی*، پایان‌نامه دکتری فقه تربیتی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.
۱۹. دهقان عبدالمجید، مهram، بهروز و کرمی، مرتضی (۱۳۹۵) «*ارزش‌یابی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان از حیث تربیت معلم پژوهشگر* (مورد مطالعه: پردیس‌های شهید بهشتی و شهید هاشمی نژاد)»، نشریه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۷۸-۱۰۰.
۲۰. ذوالفقارزاده، محمد مهدی و سعدآبادی آرانی، علی اصغر (۱۳۹۳)، «*بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه براساس آرمان اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)*»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۷، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۵-۳۱.
۲۱. رستمیان، محمدعلی (۱۳۷۹)، «*وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی (ع)*»، حکومت اسلامی، شماره ۱۸.
۲۲. رضایی، مجید و هاشمی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۱)، «*بازخوانی قاعده نفی سبیل با روی‌کردی به اندیشه‌های امام خمینی*»، نشریه پژوهشنامه متین، دوره ۱۴، شماره ۵۷.
۲۳. زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا (۱۳۹۳)، «*قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
۲۴. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳)، *مذهب الاحکام*، قم: دفتر آیت الله سبزواری.
۲۵. شاکری، محسن؛ اکبری، زهرا و هوشی‌السادات، سید علی‌رضا (۱۳۹۷)، «*تدوین الگوی*

- دانشگاه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری براساس نظریه داده بنیاد»، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۷ شماره ۲۹؛
۲۶. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند دانشگاه اسلامی، مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ ش.
۲۷. شهید ثانی، (۱۴۰۹ق.)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. شیخ طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق.)، العدة فی أصول الفقه، قم: چاپخانه ستاره.
۲۹. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق.)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۵۱۴۰۹ه). کتاب العین. القاهرة: مؤسسه دار الهجرة.
۳۱. فضل الهی، سیف‌اله و حیدرزاده، مریم (۱۳۹۸)، «دانشگاه اسلامی؛ دانشگاهی یاددهنده (ضرورت‌ها و چالش‌ها)»، نشریه معرفت مهر، شماره ۲۶۲، ویژه جامعه‌شناسی.
۳۲. قانع‌راد، محمدامین؛ ملکی، امیر و زهرا محمدی (۱۳۹۲)، «مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی»، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲ ش.
۳۳. قرطبی، محمدبن احمد انصاری (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۳۴. کلارک، کر (۱۳۸۸)، کاربردهای دانشگاه، ترجمه سیدمصطفی حدادی و علی گل محمدی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق.)، بحار الانوار، ج ۱، بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۶. مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱ق.)، القواعد مائة قاعدة فقهیه معنی و مدرکا و مورد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
۳۷. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق.)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی؛
۳۸. میرزامحمدی، محمد حسن و صحبت‌لو، حسن (۱۳۸۶)، «اهداف دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق.)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۴۰. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۳)، «روش استدلال در علم فقه»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع). شماره ۷۹.